

کشیش تَت استیوآرت

کلیسای

خانگی

مؤسسہ "تعلیم"

TALIM Ministries

فهرست مطالب

۳	صفحه	خدمت کلیسای خانگی	بخش نخست:
۸		الگوهای کتاب مقدس برای ایجاد کلیسای خانگی	بخش دوم:
۱۲		الگوهای کتاب مقدس برای... (دنباله)	بخش سوم:
۱۶		اصول اساسی کتاب مقدس برای کلیسای خانگی	بخش چهارم:
۲۰		اهمیت برقراری روابط	بخش پنجم:
۲۴		رهبر کلیسای خانگی	بخش ششم:
۲۹		مهارت‌های رهبر کلیسای خانگی	بخش هفتم:
۳۴		چرخه حیات در کلیسای خانگی	بخش هشتم:
۳۸		حفظ اتحاد در کلیسای خانگی	بخش نهم:

TALIM Ministries, Inc.

P.O. Box 47 17 36
Aurora, Colorado 80047-1736
U.S.A.

Fax: +1-303-873 62 16
E-mail: tatstewart@comcast.net

(Anno Domini 2009)

خدمت کلیسای خانگی

”همچنین به کلیسایی که در خانه آنها بر پا می‌شود، درود برسانید“ (رومیان ۱۶: ۵، هزاره نو).

کلیساهایی که در خانه‌ها تشکیل جلسه می‌دهند، و نه در ساختمانهای کلیسایی، ”کلیسای خانگی“ نامیده می‌شوند و امروزه در سراسر جهان به سرعت رشد می‌کنند. در کشورهای که کلیسای تاریخی مرده به‌نظر می‌رسند و در قید و بند عبادت سنتی گرفتارند، کلیسای خانگی همچون ”مشک تازه“ تحت هدایت روح القدس پا به عرصه وجود می‌گذارند. در کشورهای نیز که مسیحیان تحت فشار قرار دارند و اجازه ندارند علناً تشکیل جلسه دهند، کلیسای خانگی به‌وجود می‌آید.

توجه خاص من به کلیسای خانگی در اثر ملاحظه این واقعیت شکل گرفت که می‌بینم خدا از این وسیله به‌شکلی گسترده در میان فارسی‌زبانان جهان استفاده می‌کند. این ملاحظه مرا بر آن داشت که تا آنجا که می‌توانم، در باره کلیسای خانگی در عهدجدید، مطلب بخوانم و مطالعه کنم تا بدانم که چگونه باید عمل کند. با ملاحظه این نهضت در میان فارسی‌زبانان، مشتاق شده‌ام تا رهبران کلیسای خانگی الگوی کتاب مقدس برای این نوع کلیساها را بهتر درک کنند و بدانند که خدا چه نوع عملکردی برای آنها در نظر دارد.

هیچ شکی نیست که روح خدا در کلیسای خانگی که مانند قارچ سر بر می‌آورند در حال عمل است. اما همانگونه که می‌دانید، قارچ یک‌شبه نیز از میان می‌رود. بسیاری از این کلیسای خانگی بر شالوده‌هایی استوارند که مطابق کتاب مقدس نیست و اغلب اوقات، فقط متمرکز هستند بر رهبری توانا. به همین جهت، به‌مجرد اینکه مشکلی پیش می‌آید، کلیسا از هم می‌پاشد. خدا کلیسای خانگی را برای خدمتی خاص طرح‌ریزی کرده است تا برای قومش باعث برکت گردد. اما وقتی نوایمانان درک نمی‌کنند که خدا چه نوع عملکردی را برای آن در نظر گرفته، همین کلیساها تبدیل می‌شوند به منبع رنج، شکست

در زندگی، و شهادتی شرم‌آور نزد خدانشناسان. این مجموعه جدید را با بررسی خدمت منحصر به فرد کلیسای خانگی بر اساس عهد جدید آغاز می‌کنیم.

مسیحیت اولیه و کلیسای خانگی

بدیهی‌ترین جا برای آغاز، درک این نکته است که کلیسا در قرن اول در کجا تشکیل جلسه می‌داد. در صفحات آغازین کتاب اعمال رسولان، بسیار روشن است که مسیحیان اولیه در صحن معبد گرد می‌آمدند: "ایشان هر روز، یکدل در معبد گرد می‌آمدند" (اعمال ۲: ۴۶)؛ اما در دنباله همین آیه می‌خوانیم: "و در خانه‌های خود نیز نان را پاره می‌کردند و با خوشی و صفای دل با هم خوراک می‌خوردند." در آغاز، از خانه‌ها برای مشارکت مسیحیان با یکدیگر استفاده می‌شد و ایشان خوراک را با هم تقسیم می‌کردند و خدمتی متقابل تحقق می‌یافت. اما وقتی مخالفت با مسیحیان شروع شد، ایشان مجبور شدند از تجمع در مکان‌های عمومی دوری گزینند و در خانه‌ها گرد آیند.

وقتی در فصل ۸ کتاب اعمال، با سولس آشنا می‌شویم، چنین می‌خوانیم: "اما سولس بی‌رحمانه بر کلیسا می‌تاخت و خانه به خانه گشته، زنان و مردان را بیرون می‌کشید و به زندان می‌افکند" (اعمال ۸: ۳). حتی خانه‌ها نیز در مقابل جفاهای سولس امنیت نداشتند. اما در مقایسه با سایر امکانات، خانه‌ها تبدیل شدند به امن‌ترین مکان برای تجمع ایمانداران. خانه تبدیل شد به بنیاد فعالیت‌های بشارتی برای رسولانی که از شهری به شهری می‌رفتند تا خبر خوش انجیل را اعلام کنند. کلیساهای جدیدی که پا به عرصه وجود می‌گذاشتند، نتیجه جلسات خانگی بود. پولس خدمت خود را در تسالونیک، در خانه یاسون شروع کرد و خودش نیز احتمالاً در آن میهمان بود.

محل برای بشارت و شاگردسازی

پولس نه فقط از خانه‌ها برای خدمت بشارتی استفاده می‌کرد، بلکه خدمت شاگردسازی را نیز در همانجا انجام می‌داد. او به رهبران کلیسای افسس چنین می‌فرماید: "بلکه پیام را به شما موعظه کرده، چه در جمع و چه در خانه‌ها تعلیمتان داده‌ام" (اعمال ۲۰: ۲۰). در

دوره‌ای که پولس رساله به رومیان را می‌نوشت، می‌خوانیم که در آنجا کلیساهای استقرار یافته‌ای وجود داشت که در خانه‌ها تشکیل جلسه می‌دادند. او درودهای خاصی می‌فرستد به کلیسایی که در خانه اکیلا و پرسکلا تجمع می‌کرد (رومیان ۱۶:۵). پس جای تردید نیست که کلیسای خانگی بخشی از نقشه خدا است.

محلی مناسب برای تحقق عملکردهای کلیسا

خانه مناسب‌ترین مکان بود تا کلیسای نوزاد به شکوفایی برسد، زیرا در خانه است که بسیاری از عملکردهای کلیسا می‌تواند به آسانترین وجه به اجرا در آید. وقتی کلیساها از خانه به ساختمانهای مخصوص انتقال یافت، برای مسیحیان دشوارتر شد که به رهنمودهای کتاب مقدس در خصوص حیات بدن امین بمانند. برای مثال، وقتی بخشهای مختلف عهد جدید را می‌خوانیم، خیلی سریع کشف می‌کنیم که چه مسؤولیت‌هایی نسبت به یکدیگر داریم، رهنمودهایی از این دست: ”بارهای سنگین یکدیگر را متحمل شوید“ (غلاطیان ۲:۶)؛ ”به گناهان خود نزد یکدیگر اعتراف کنید“ (یعقوب ۵:۱۶)، و ”یکدیگر را نصیحت کنید“ (کولسیان ۳:۱۶)؛ اینها فقط زمانی می‌تواند تحقق یابد که طبق توصیه کتاب مقدس، کلیسا مکانی باشد تا ایمانداران بتوانند صمیمانه در زندگی و رشد روحانی یکدیگر سهیم شوند. این نوع از خدمت متقابل به احتمال بیشتر در کلیسای خانگی تحقق می‌یابد، یعنی در جایی که افراد به‌طور مرتب گرد آیند و با یکدیگر مشارکت داشته باشند.

کلیسا هیچگاه برای این طرح‌ریزی نشده بود که مکانی باشد تا فقط چند تن از اعضا عطا‌های روحانی خود را به‌عمل در آورند و دیگران فقط تماشا کنند. به توضیح پولس در خصوص کلیسایی که در حال عمل است، توجه کنید: ”هنگامی که گرد هم می‌آیید، هر کس سرودی، تعلیمی، مکاشفه‌ای، زبانی و یا ترجمه‌ای دارد. اینها همه باید برای بنای کلیسا به‌کار رود“ (اول قرننتیان ۱۴:۲۶). احتمالاً نمی‌توان تصور کرد که این رهنمود را بتوان در جلسات بزرگ و عمومی پیاده کرد، بلکه در جلسه خانگی، اعضا می‌توانند یکدیگر را تشویق کنند که در عبادت سهیم گردند. به همین جهت است که کلیسای خانگی می‌تواند مکانی عالی برای تربیت نوایمانان باشد. احتمال بیشتری هست که نوایمانان

عطا‌های روحانی و خدمت خود در بدن مسیح را در چارچوب کلیسای خانگی یا جلسات کوچک کشف کنند. ایشان خواهند آموخت که با شور و حرارت در جمع دعا کنند و قادر شوند کلام خدا را به‌درستی تعبیر نمایند.

محل مناسب برای شکوفایی عطاها

کلیسای خانگی بهترین محل برای کشف آنانی است که صاحب عطا‌ی رهبری هستند. رهبران رهبر به‌دنیا نمی‌آیند، بلکه در جریان حیات روزمره کلیسا کشف می‌شوند. در گردهم‌آیی‌های کوچک خیلی سریع روشن می‌شود که کدام عضو وقت‌شناس است و با آمادگی در جلسه حضور می‌یابد، و اینکه کدام عضو بیشتر به فکر رشد روحانی دیگران است تا به فکر مشکلات خود. در کلیسای خانگی می‌توان این رهبران غنچه‌وار را آزمایش کرد، به این ترتیب که به آنان مسؤلیت‌های کوچک سپرد و دید که با آنها چگونه عمل می‌کنند. بسیار مخاطره‌آمیز است که از نوایمانی خواسته شود که جلسه‌ای بزرگ و عمومی را رهبری کند، اما کمتر مخاطره‌آمیز است که از او خواسته شود تا برنامه دعا را در جلسه‌ای خانگی رهبری کند. در کلیساهای بزرگ اغلب بار سنگین خدمت فقط بر دوش چند نفر می‌باشد و بسیاری از ایمانداران سرخورده می‌شوند زیرا نمی‌توانند عطا‌های خود را در خدمت به‌کار گیرند. این واقعیتی پذیرفته‌شده است که ایماندارانی که در خدمت دخالت داده نمی‌شوند، اغلب باعث بروز مشکلاتی در خدمت می‌گردند. در کلیسای خانگی هر کس می‌تواند به‌سرعت جای خاصی برای خدمت بیابد. در بخش‌های بعدی این مجموعه به بررسی این خدمات خواهیم پرداخت.

”مشک‌های“ گوناگون

و سرانجام، اینگونه به‌نظر می‌رسد که خدا کلیسایش را طوری طرح‌ریزی کرده تا بتواند با ”مشک‌های“ گوناگون یا اشکال مختلف سازگاری بیابد. گاه روح‌القدس اشکالی به‌وجود می‌آورد که با فرهنگ یا شرایط سیاسی خاصی سازگاری دارد. تاریخ کلیسا نشان می‌دهد که کلیساهای خانگی اغلب اوقات وسیله‌ای بوده‌اند در دست خدا برای ایجاد بیداری

روحانی. وقتی کلیسای نهادینه مرده به نظر می‌رسد، اغلب مشاهده می‌کنیم که نهضتی پدید می‌آید و افراد در خانه‌ها گرد می‌آیند تا خدا و مسح او را جستجو کنند. همچنین وقتی کلیسا تحت آزار و جفا است، روح‌القدس ایمانداران را هدایت می‌کند تا در خانه‌ها گرد آیند. در چین دیده‌ایم که چگونه کلیساهای خانگی در سراسر این کشور اشاعه یافته‌اند و تبدیل به پناهگاه امنی شده‌اند در برابر طوفان‌هایی که بر ضد خداوند عیسی مسیح و گله‌اش به پا خاسته‌اند.

الگوهای کتاب مقدس برای ایجاد کلیسای خانگی

کلیساهای خانگی تبدیل شده‌اند به بخشی حیاتی از حیات کلیسا، اما بسیاری از آنانی که تنگاتنگ درگیر این خدمت می‌باشند، از تعلیم کتاب مقدس در باره ایجاد آن بی‌اطلاع هستند. به‌هنگام تحقیق در باره این موضوع، پی بردم که در طول پنجاه سال اخیر، بیش از یکصد کتاب در این زمینه به نگارش در آمده است. این امر سبب شد که به کتاب اعمال رسولان مراجعه کنم تا الگوی اولیه الهی را برای ایجاد کلیساهای خانگی پیدا کنم. من متقاعد شده‌ام که چنانچه بخواهیم کلیساهای خانگی ما شکوفا شود و ثمرات ابدی به‌بار بیاورد، باید طرح اولیه خدا را کشف کنیم. امیدوارم مسؤولان نهضت کلیسای خانگی مطالعه‌ای جدی در زمینه الگوهای کتاب مقدس به‌عمل آورند و آموخته‌های خود را در جهت تحکیم کلیساهای خانگی که مسؤولیت آن را بر عهده دارند، به‌کار برند.

مطالعات من در خصوص کتاب اعمال مرا به این درک رساند که به‌منظور ایجاد کلیساهای خانگی چهار الگو وجود دارد. هر الگو در شهر خاصی آغاز شد؛ همین پدیده بیانگر این حقیقت است که روح القدس برای پیشبرد کار خدا، به‌شکلی خلاق از "مشکها" یا روشهای متفاوتی استفاده می‌کرد. همیشه باید این نکته را در نظر داشته باشیم که نیازی نیست روشهای خدمت را از محلی به محلی دیگر منتقل کنیم، بلکه باید به روح القدس چشم بدوزیم تا ما را تعلیم دهد که برای شرایط خاص محل خدمت خود، کدام الگو مناسب‌تر است.

الگوی اورشلیم

نخستین کلیسایی که در کتاب اعمال رسولان بوجود آمد، کلیسای اورشلیم بود که به دست خود رسولان بنیان گذاشته شد. این کلیسا ثمره موعظه مسح‌شده پطرس رسول بود (اعمال ۲: ۱۴-۴۱). این کلیسایی بود بسیار حیاتی تا اینکه به‌دنبال سنگسار شدن استیفان، آزارهایی سخت روند رشد آن را تغییر داد که شرح آن در فصل هشتم کتاب اعمال آمده

است. نتیجه این امر آن بود که ”جز رسولان، همه به نواحی یهودیه و سامره پراکنده شدند“ (اعمال ۸:۱). تصادفی نیست که خدا کلیسا را از اورشلیم متفرق ساخت تا ”مأموریت بزرگ“ را که کلیسا تا این زمان نادیده گرفته بود، تحقق بخشد. لذا من متقاعد شده‌ام که ایجاد کلیساهای خانگی عملی است که به‌هنگام بروز آزار و ستم، تحت هدایت روح‌القدس و با قوت او صورت می‌پذیرد. در آغاز امر، ایمانداران بالغ که زیر دست رسولان شاگردسازی شده بودند، در سراسر فلسطین پراکنده شدند و در آن مناطق کلیساهای جدیدی را بنیان گذاشتند. این اصل مهمی است زیرا این کلیساهای خانگی بر پایه الگوی کلیسای اورشلیم بنا شده بودند، چرا که هر گاه ایمانداران کلیسای نهادینه را ترک می‌گویند، درک خود را از ایمان مسیحی و نیز روشهای عمل کردن به آن را با خود به کلیساهای جدید منتقل می‌سازند. ایشان ”مشکهای“ خود را با خود می‌برند. این نکته می‌تواند برای کلیساهای خانگی در روزگار ما بسیار مفید باشد، زیرا امروزه ایماندارانی بالغ وجود دارند که می‌توانند این خدمت را به جلو ببرند؛ در ضمن، این کلیساهای می‌توانند تحت نظر کلیسای مادر رشد کنند. روشن است که رسولان بر این کلیساهای نوزاد، نظارتی شبانی داشتند؛ نمونه‌ای از این امر را در رساله یعقوب، شبان کلیسای اورشلیم مشاهده می‌کنیم که خطاب به قبیله‌های پراکنده یهودی در میان ملت‌ها نوشته شده است. نکته دیگر این است که شواهد اندکی وجود دارد که نشان بدهند رسولان می‌کوشیدند این کلیساهای را از طریق نوعی سلسله‌مراتب کنترل کنند. رهبری ایشان بیشتر ناشی از احترامی شبانی و اقتداری بود که به ایشان در مقام رسول داده شده بود، نه ناشی از تمرکز قدرت در دست ایشان.

از این الگو می‌آموزیم که هر گاه کلیساهای خانگی به‌دست ایماندارانی بالغ متعلق به کلیساهای سالم بنیان گذاشته شود، فوائد بسیاری حاصل می‌گردد. یکی از این فوائد، تجربه و بلوغی است که چنین ایماندارانی به‌همراه می‌آورند. ایشان در ضمن، از شبانانی برخوردار هستند که می‌توانند از آنان کمک و دلگرمی دریافت دارند. اما اشکال در این است که چنین ایماندارانی گرایش دارند همان اشتباهات کلیسای مادر را تکرار کنند و روشهای قدیمی را با خود به‌همراه بیاورند. این امر ممکن است سبب شود که خود را با فرهنگ جدیدی که در آن خدمت می‌کنند انطباق ندهند و به این ترتیب، از سایر ایمانداران

فاصله بگیرند. اما در مجموع، این الگویی است آزموده شده که خدا به هنگام آغاز کلیسایش به کار برد و هنوز نیز کارایی بسیار دارد.

الگوی انطاکیه

الگوی بعدی برای ایجا کلیسای خانگی، در کتاب اعمال ۱:۱۳ تا ۲۰:۲۸ یافت می‌شود. پولس رسول و همکارانش، از انطاکیه (سوریه) فرستاده شدند تا کلیساهایی در غلاطیه، آسیای صغیر، و یونان بنیان گذارند. آنچه که معمولاً "سفرهای بشارتی پولس" خوانده می‌شود، در واقع بیشتر مأموریت برای ایجاد کلیسا بود. برخی از متفکران، این را "بذرپاشی تازه" می‌نامند، زیرا وقتی رسولان به شهرهای جدید سفر می‌کردند و پیام انجیل را اعلام می‌داشتند، عده جدیدی ایمان می‌آوردند؛ آنگاه رسولان چند ماه در آنجا می‌ماندند تا ایشان را شاگردسازی کنند. این الگو را در شهر قرنتس می‌بینیم که پولس دو سال در آنجا ماند و نوایمانان را تعلیم می‌داد و تربیت می‌کرد. اصلی که در این الگو رعایت می‌شود، این است که بنیادی نیکو بر اساس حقایق مسیحیت گذاشته می‌شود و نوایمانان تعلیم می‌یابند که چگونه وابسته به مسیح باشند. با مطالعه اول قرن‌تین ۳:۱۰-۱۵، به عمق هدف پولس پی می‌بریم؛ هدف او این نبود که اقتدار و اعتبار خود را تثبیت کند، بلکه می‌کوشد بنیادی بنا نهد بر پایه شخص و کار عیسی مسیح. شاید از این واقعیت تعجب کنیم که پولس بارها و بارها، ظاهراً کلیساها را ترک می‌کرد و آنها را به دست رهبرانی خداترس می‌سپرد و گاه تا سالها به آن کلیسا سرکشی نمی‌کرد. عقاب مادر جوجه‌های خود را به بیرون از آشیانه هل می‌دهد تا پرواز کردن بدون او را بیاموزند؛ اما ایشان را از دور تحت نظر دارد تا چنانچه لازم باشد، به کمکشان بشتابد. پولس نیز همین کار را می‌کرد. او تماس خود را با کلیساها حفظ می‌کرد؛ رسالاتی که عهدجدید را تشکیل می‌دهند، گواه بر این واقعیت می‌باشند. پولس عمیقاً معتقد بود که هر گاه بنیادی مناسب گذاشته شود، خدا کلیسا را هدایت خواهد کرد. او به مسیحیان فیلیپی می‌نویسد: "یقین دارم آن که کاری نیکو در شما آغاز کرد، آن را تا روز عیسی مسیح به کمال خواهد رسانید" (۱:۶). او ایمان داشت که قدرت بذر انجیل رشد کرده، تبدیل به کلیساهای خانگی سالم

خواهد شد. او رهبران مورد نظر خودش را منصوب نمی‌کرد و نمی‌کوشید کلیساهایی را که آغاز کرده بود، کنترل کند. در فصل اول رساله اول قرن‌تیان، مشاهده می‌کنیم که با وجود این واقعیت که کلیسای قرن‌تس را پولس بنیان گذاشته بود، رهبران این کلیسا با هم سازش نداشتند؛ او نمی‌کوشید در مقام بنیانگذار این کلیسا آن را کنترل کند، بلکه سعی می‌کرد آن را تحت اقتدار مسیح و تعلیمات او در آورد.

آنچه که از این الگو می‌توان آموخت، شخصیت و خصائل شخصی است که کلیسا را آغاز می‌کند. او باید فردی باشد با بلوغ روحانی، و تعالیم بنیادین مسیح را بداند، چرا که او در نهایت، کارنده بذر در میان بی‌ایمانان است. او باید مرد خدا باشد و اشتیاقش این باشد که ملکوت خدا گسترش یابد و نجات‌دهنده‌اش جلال یابد. خادمی که از چنین خصوصیتی برخوردار باشد، زندگی خود را صرف تربیت دیگران خواهد کرد، نه تحکیم موقعیت خود. او خود را کنار می‌کشد تا دیگران بتوانند رهبری را به دست بگیرند، اما آماده است تا مشورت‌های لازم را ارائه دهد. این نوع روش در ایجاد کلیسا، شبکه‌ای از کلیساهای خانگی پدید خواهد آورد که وابسته به "سوپر-شبانان" نیستند، بلکه به شبان نیکویی که از گله‌اش به‌خوبی مراقبت می‌کند و رهبران جدیدی را برای هر کلیسا آماده می‌سازد.

الگوهای کتاب مقدس برای ایجاد کلیسای خانگی (دنباله)

به‌هنگام نوشتن این مجموعه خاص، پی بردم که بسیاری از کسانی که در کلیساهای خانگی خدمت می‌کنند، و حتی رهبرانی برای این کلیساها تربیت می‌کنند، وقت زیادی صرف مطالعه الگوهای کتاب مقدس برای این نوع کلیساها در عهدجدید نکرده‌اند. برخی نیز حتی از این ناآگاهی خود دفاع کرده، می‌گویند که این روش دیگر برای قرن بیستم و یکم معتبر نیست. اما اکنون که شما را با الگوهای کلیساهای خانگی در عهدجدید آشنا می‌سازم، عمیقاً متقاعدم که کتاب مقدس رهنمودهای لازم را برای دریافت برکات الهی در اختیار ما قرار می‌دهد. خدمت ممکن است بر حکمت دنیوی استوار باشد و شاید هم برای مدتی موفقیت‌آمیز به‌نظر برسد، اما در بلند مدت، آن خانه‌هایی که بر شن بنا شده‌اند، در اثر طوفان فرو خواهند ریخت؛ اما خانه‌هایی که بر صخره حقایق الهی بنا شده‌اند، استوار خواهند ایستاد.

در شماره گذشته، بررسی خود را در زمینه روشهای گوناگون تأسیس کلیساهای خانگی در عهدجدید آغاز کردیم و به کلیساهای اورشلیم و انطاکیه پرداختیم. اینک به بررسی الگوهای دیگر خواهیم پرداخت.

الگوی افسس

پولس رسول در واپسین سالهای خدمت خود، به افسس سفر کرد. او تا پیش از این، هفت کلیسا را در دوره‌ای بالغ بر هفت سال تأسیس کرده بود. او اکنون در این زمینه بسیار باتجربه شده بود، و آنچه در افسس انجام داد، با آنچه در شهرهای دیگر انجام داده بود، کاملاً تفاوت داشت: او مرکزی برای آموزش احداث کرد که در آن می‌توانست افرادی را تربیت کند تا پیام انجیل را به شهرهای دیگر ببرند و کلیسا دایر کنند. او محلی به‌نام

”مدرسه طیرائس“ را برای برگزاری جلسات خود اجاره کرد و در آن به مدت دو سال به آموزش پرداخت و افرادی را نظیر تیپس، تیموتائوس، و غایس تربیت کرد. یکی از دانشجویان پولس در این مدرسه، شخصی بود به نام ایفراس که گویا در افسس توسط پولس بسوی مسیح هدایت شده بود. ایفراس با آموزشی که دیده بود، کلیساهایی در کولسی (کولسیان ۱: ۷)، لائودیکیه و هییراپولیس (کولسیان ۴: ۱۲-۱۳) تأسیس کرد. پولس در مجموع شخصاً هشت نفر را آموزش داد که تبدیل شدند به بنیانگذاران موفق کلیسا. از این روش پولس جهت تأسیس کلیسا چه درسهایی می‌توان آموخت؟

● پولس دو سال بر زندگی هشت نفر سرمایه‌گذاری کرد و ایشان را در خداترسی فردی، اصول اعتقادات و روشهای خدمت تربیت نمود. پولس با این اصل آشنا بود که باید ”چیزی را تعلیم دهیم که می‌دانیم، اما چیزی را تولید کنیم که هستیم!“ او مشتاق بود که کلیساهای خانگی از رهبرانی بالغ برخوردار باشند.

● خدمت پولس از نظر مالی متکی به خودش بود؛ او برای تأمین هزینه‌های خود به جایی وابسته نبود. وقتی افسس را ترک می‌کرد، چنین اظهار داشت: ”خود می‌دانید که همین دستها در رفع احتیاج خود و رفقایم خدمت می‌کرد“ (اعمال ۲۰: ۳۴). خدمت کلیسای خانگی زمانی بیشترین موفقیت را به دست می‌آورد که از بیرون مورد حمایت مالی قرار نگیرد، بلکه برای تأمین نیازهای خود و اعضای گروه، راههای دیگری بیابد.

سرمایه‌گذاری پولس برای دیگران به‌گونه‌ای شگفت‌انگیز برای پیشرفت انجیل در قرن اول سوئمنند واقع شد. دکتر اف. اف. بروس، محقق برجسته عهدجدید، معتقد است که شاگردان پولس، علی‌الخصوص ایفراس بودند که در ایالت آسیا (ناحیه غربی ترکیه امروز) بشارت دادند؛ او می‌نویسد: ”شاید آن هفت کلیسا در آسیا که در کتاب مکاشفه یوحنا ذکر شده‌اند، همگی در همین زمان بنیان گذاشته شده باشند.“

الگوی روم

کلیسای روم آن کلیسایی بود که پولس آرزو داشت از آن دیدار کند و به همین کلیسا بود که مهم‌ترین اثر الهیاتی خود را نوشت. همیشه برای محققین سؤال بوده که چگونه پولس این تعداد زیاد از اعضای کلیسای روم را شخصاً می‌شناخت؛ این نکته را از نامه‌هایی که در فصل ۱۶ رساله به رومیان ذکر شده، مشاهده می‌کنیم. پاسخ این سؤال را در چهارمین الگوی تأسیس کلیسا در عهدجدید می‌یابیم. در آن حال که کلیسای اورشلیم گروه‌هایی از اعضای خود را به شهرهای دیگر می‌فرستاد تا حیات کلیسایی را در آنها مستقر سازند، کلیسای روم متشکل از افرادی بود که از کلیساهای متفاوت بسیاری گرد آمده بودند تا کلیسایی جدید به‌وجود بیاورند. در اینجا روش خلاق دیگری را مشاهده می‌کنیم؛ به این ترتیب که روح‌القدس ایماندارانی را از کلیساهای مختلف گرد آورد تا کلیسایی جدید به‌وجود بیاورد؛ این ایمانداران می‌توانستند از این راه، در محلی جدید با یکدیگر برای جلال خدا همکاری کنند. در فصل ۱۶ رساله به رومیان، می‌بینیم که پولس به بیش از بیست و شش نفر که شخصاً می‌شناخت سلام می‌رساند. این افراد همگی از کلیساهای آمده بودند که او خودش تأسیس کرده بود. طبق پاره‌ای شواهد، پولس این افراد را از کلیساهای مختلف به روم فرستاده بود، با این هدف مشخص که کلیسای جدیدی بنیان بگذارند، زیرا این افراد عملاً در طول سه سال پیش از نگارش این رساله، به روم رسیده بودند. پولس، هم مسیحیان یهودی‌نژاد و هم غیریهودی را به روم فرستاده بود تا کلیسایی میان‌فرهنگی تشکیل دهد؛ به این ترتیب، ایشان می‌توانستند به مردم چندملیتی این شهر بشارت دهند. سپس رساله‌ای نیز به ایشان نوشت تا تشویقشان کند که حقیقت را با قوت روح‌القدس تعلیم دهند. به این طریق، او نوایمانان را آماده می‌ساخت تا همان احترامی را برای رسالت او قائل شوند که دوستانش قائل بودند.

از این الگو درسهای زیرا را برای کلیساهای خانگی خود در این زمان می‌آموزیم.

- آماده دریافت هدایت خلاق روح‌القدس باشید. با مطالعه دقیق کتاب اعمال رسولان، پی می‌بریم که این کتاب در واقع شرح اعمال روح‌القدس است، نه رسولان. رسالت ایشان

در تأسیس کلیساها در واقع نتیجه هدایت مستقیم روح القدس بود. نمونه‌ای از این امر را در دعوت پولس به مقدونیه مشاهده می‌کنیم (اعمال ۱۶: ۹-۱۰). ایشان می‌دانستند که این روح القدس است که جامعه‌ای راستین تشکیل می‌دهد و ایشان را قوت می‌بخشد تا به شباهت مسیح زندگی کنند.

● بکوشید گروه‌هایی برای خدمت تشکیل دهید. خداوند عیسی شاگردان خود را در گروه‌های دو نفری می‌فرستاد (مرقس ۶: ۷)؛ پطرس و یوحنا در کنار یکدیگر خدمت می‌کردند (اعمال ۱: ۳) و پولس و برنابا نیز در امر خدمت با یکدیگر همکار بودند (اعمال ۱۳-۱۵). برای تشکیل چنین گروه‌هایی، باید دعا کنید و افراد را برای امر رهبری تربیت نمایید.

● به کسانی که شما را فرستاده‌اند، پاسخگو بمانید. بنیانگذاران کلیسای اولیه به آنانی که ایشان را می‌فرستادند و مورد حمایت قرار می‌دادند، پاسخگو باقی می‌ماندند. پولس به انطاکیه باز می‌گشت تا گزارش دهد؛ پطرس نیز همین کار را با کلیسای اورشلیم انجام می‌داد.

● بیاموزید که برای خدمت خود در کلیسای خانگی، خطمشی‌های مناسب اتخاذ کنید. پولس متقاعد بود که باید توجه خود را بر مناطق شهری متمرکز سازد، چون معتقد بود که هر جا تعداد مردم زیاد باشد، پیام انجیل به شکل خودجوش اشاعه می‌یابد. کلیساهای خانگی جدید در شهرهای جدید معمولاً مؤثرترین وسیله برای گسترش پیام انجیل می‌باشند.

اصول اساسی کتاب مقدس برای کلیسای خانگی

کلیسای خانگی طبیعی‌ترین راه برای گسترش و رشد مسیحیت در طول دوره‌ها بوده است. در قرن اول، اگر نشانی کلیسایی را می‌خواستید، نشانی یک خانه را به شما می‌دادند. امروزه شاهدیم که تعداد کلیساهای خانگی به علت انعطاف‌پذیری آنها به سرعت در حال افزایش است؛ مردم در جَوّی غیر رسمی، در خانه‌ای جمع می‌شوند و عامل اصلی که آنها را کنار یکدیگر نگه می‌دارد، رابطه بین آنهاست نه ساختمان محل تجمع. آنها با مشکل هزینه‌های مالی روبرو نبوده، به راحتی می‌توانند در محیط‌های مختلف قرار گیرند. مانند آب می‌توانند در هر ظرفی جاری شوند و بدینگونه خود را با محیط‌های گوناگون وفق دهند و حیات، انرژی و زنده‌دلی مسیح را به ارمغان آورند.

اکثر اوقات این کلیساها بهترین مکان برای غیر ایمانداران می‌باشند تا در محیطی امن و بدون مخاطره با مسیح آشنا شوند. همچنین محیطی بسیار طبیعی برای نوایمانان است تا آموزش لازم برای شناخت خدا را در آنجا دریافت کنند. برای تأسیس این کلیساها نیازی به روحانیون دوره‌دیده در سطوح بالا نیست، بلکه رهبران کلیسای خانگی که خود آموزش گرفته و می‌خواهند تحت قدرت کلام خدا و هدایت روح القدس، به رهبرانی شایسته تبدیل شوند، رهبری این کلیساها را به عهده می‌گیرند.

اما درست همان خصوصیتی که قوت کلیسای خانگی محسوب می‌شود، می‌تواند باعث سقوط آن گردد. چرا که بسیاری از کسانی که این کلیساها را هدایت می‌کنند از رهنمودهای کتاب مقدس برای شکوفا شدن کلیسای عیسی مسیح و آشکار شدن پادشاهی خداوند، هیچگونه آگاهی ندارند. رهبران جدید بیشتر تمایل به تکرار عملکردهای موجود دارند تا توصیف و اجرای حقیقتی که در خبرخوش آمده است. با در نظر داشتن این

مطلب، بیاپید نگاهی عمیق‌تر بیفکنیم به آن اصول اساسی که یک کلیسای خانگی مبتنی بر کتاب مقدس، باید بر آنها بنا شود تا در برابر طوفانهای اجتناب‌ناپذیر استوار بماند.

مسیح، سر کلیسا

اجازه دهید مسیح به‌عنوان سر کلیسای خانگی حکم‌فرمایی کند: ”و او بدن یعنی کلیسا را سر است“ (کولسیان ۱: ۱۸). کلیسای خانگی فرا خوانده شده تا تحت فرماندهی مسیح گرد هم آید، نه بر اساس جذبه روحانی فردی که رهبری را به‌عهده گرفته است. پولس در افسسیان از کلیسایی سخن می‌گوید که در اثر امواج تعالیم مردمانی حیله‌اندیش و مکار به عقب و جلو رانده می‌شدند. آنها با راههای فریب‌آمیز خود، مشارکتی از اطفال به‌وجود آورده بودند. ”بلکه در محبت پیروی راستی نموده، در هر چیزی ترقی نماییم در او که سر است، یعنی مسیح“ (افسیان ۴: ۱۵). من قطعاً باور ندارم که اکثر رهبران کلیسای خانگی عمداً بخواهند باعث گمراهی گله‌هایشان شوند، اما زمانی که مسیح به‌عنوان سر بدن شناخته نشود، ناخودآگاه این اتفاق خواهد افتاد. با دیدن کار خدا در زندگی دیگران، به‌راحتی می‌توان تحت تسخیر هیجان آن قرار گرفت و آمدن افراد به سوی مسیح را به حساب رهبری خود گذاشت. موفقیت در خدمت باعث سرخوشی می‌شود؛ بنابراین لازم است که تمرکز کلیسای خانگی خود را روی مسیح حفظ نماییم. چندین روش عملی برای اداره گردهمایی کلیسای خانگی، به طریقی که اقتدار و فرمانروایی مسیح را عزت بخشد، در زیر آمده است:

- پیشاپیش، برای تمامی حاضرین دعا کنید، از مسیح بخواهید که در جمع شما با قدرت حاضر باشد و شما را محافظت نماید.
- تمامی جلسات را با پرستشی شروع کنید که روی شخصیت خداوند تکیه می‌کند؛ به‌طور مثال، بسیاری از خصوصیت‌های خداوند در مزامیر ۱۴۵ آمده است که می‌توان آنها را شناسایی کرده، در نیایش خود از آنها استفاده کنیم.
- در مقام یک رهبر، خود را کاملاً به مسیح سپرده، با قلبی خادم حضور یابید.

- با قائل شدن مرجعیت نهایی برای کلام خدا در برابر هر عقیده و رسمی، به مسیح جلال بخشید.
- حضور مسیح را انتظار بکشید، نگاهتان بر او باشد و برای گرفتن رهنمود، به کلام او رجوع کنید و سپس تمامی نیازها را به صورت دعای شفاعت در حضور او بلند کنید.

کهنات همه ایمانداران

یاد بگیرید برای کهنات ملوکانه همه ایمانداران خوشحالی کنید و از آن تجلیل به عمل آورید: "لکن شما قبیله برگزیده و کهنات ملوکانه هستید" (اول پطرس ۲: ۹). معنای کاهن در مفهوم تاریخی آن، به معنی شخصی است که خدا را به مردم می‌شناساند و نیازهای ایشان را در قالب دعای شفاعت به نزد خدا می‌برد. پادشاهمان عیسی مسیح، کاهن اعظم کامل است؛ چرا که او خدای نادیده را بر ما آشکار می‌سازد و با بردن گناهان ما بر روی صلیب، ما را بی‌عیب به حضور خدایی می‌برد که خود مقدس است. در طی تاریخ اولیه کلیسا، گروهی متشکل از کشیش‌ها یا مردان روحانی به‌وجود آمد که به‌نظر می‌رسید رابطه نزدیکتری با خدا دارند و می‌توانند به‌عنوان کسانی که کلام خدا و حقیقت را بیان می‌کنند، مسیحیان سطوح میانی را خدمت کنند. در دوره اصلاحات، بسیاری از حقایق از دست‌رفته کتاب مقدس، بازیابی شد. یکی از آن حقایق، کهنات همه ایمانداران است. این حقیقت به ما می‌آموزد که همه ایمانداران وظیفه خدمت در کلیسای مبتنی بر کتاب‌مقدس را دارند. اما به این معنی نیست که همه ایمانداران می‌توانند هر کاری را در بدن مسیح انجام دهند، زیرا عطایای روحانی گوناگونی وجود دارد که منجر به خدمت در زمینه‌های گوناگون می‌شود و همچنین میزان رشد و بلوغ در مسیحیت، مراحل مختلفی دارد که با توجه به آن، شخص صلاحیت لازم برای خدمت را کسب می‌کند. اما با اطمینان می‌توانیم بگوییم که منظور این است که همه ما می‌توانیم برای یکدیگر دعا کنیم و تعلیمی را که از کتاب‌مقدس می‌گیریم، با یکدیگر در میان بگذاریم. همچنین بدین معناست که کلیسای خانگی سالم، مکانی است که همه برای کمک و خدمت به یکدیگر جمع می‌شویم و این

خدمت جزء اختیارات شخصی عده به خصوصی نیست. چندین راه که به کمک آنها می‌توانید کهانت همه ایمانداران را در کلیسای خانگی شکوفا سازید، عبارتند از:

- هنگام پرستش، تا حد امکان تعداد بیشتری از مردم را در این امر شرکت دهید. به‌طور مثال، با دعوت آنها به خواندن یک مزمور، ذکر آیه‌ای در باره خصوصیات خاص خداوند و یا مشارکت در دعا‌های نیایشی، این کار را می‌توانید انجام دهید.

- از روشی گروهی برای مطالعه کتاب مقدس استفاده کنید. یک الگوی مفید این است که به‌ترتیب با دعوت هر شخص به خواندن یک آیه، متن را با هم بخوانید. از تک تک افراد بخواهید آیه‌ای را که بر قلب یا فکر آنها بیشتر نشست است، با دیگران در میان بگذارند. سپس از گروه بخواهید فهرستی از سؤالات در رابطه با متن خوانده‌شده تهیه نمایند و سایر افراد را تشویق کنید با توجه به آیات مذکور، سؤالها را پاسخ دهند. در انتها، در مورد چگونگی کاربرد آن حقایق با هم صحبت کرده، برای یکدیگر دعا کنید.

- زمانی را به این اختصاص دهید که اعضای کلیسای خانگی خود را به گروه‌های سه نفره تقسیم کنید. از هر یک از آنها بخواهید یک موضوع که باعث شادی آنها در خداوند می‌شود و یک ناراحتی از زندگی خود را در گروه مطرح سازند و برای یکدیگر دعا کنند.

اهمیت برقراری روابط

کلیسای خانگی همیشه نقشی حیاتی در رشد مسیحیت ایفا کرده، و امروزه نیز در کشورهایایی که مخالفت شدیدی با انجیل خداوند ما عیسی مسیح به عمل می‌آید، نقشی حساس دارد. قبلاً گفتیم که کلیساهای خانگی اغلب به دست نوایمانانی شروع می‌شوند که درک درستی از اصول کتاب مقدس در این زمینه ندارند، اصولی که باعث سلامت کلیسای خانگی است. عدم آگاهی از خصوصیات کلیسای خانگی سالم ممکن است منجر به رفتارهای نادرست و رنجشهایی شود که اغلب سبب فروپاشی مشارکت‌ها می‌گردد. از این رو، در شماره پیشین، بررسی اصول اساسی کتاب مقدس برای کلیسای خانگی را شروع کردیم و دیدیم که تصدیق ”سر بودن مسیح“ و نیز احترام به ”کهنات همه ایمانداران“ چقدر در این خصوص اهمیت دارد. اکنون به بررسی یک اصل دیگر خواهیم پرداخت که همانا ”اهمیت برقراری روابط“ است.

اهمیت برقراری روابط

ملکوت خدا از افرادی به وجود آمده که دارای روابطی فدی‌یافته می‌باشند. ایشان به واسطه فیض عادل شمرده شده و از طریق خداوند ما عیسی با خدا مصالحه یافته‌اند؛ اما در عین حال، در بدن مسیح نیز قرار داده شده‌اند و اکنون بر ایشان است که قدرت فدی‌دهنده او را نسبت به یکدیگر نیز نمایان سازند. خداوند عیسی صریحاً بر این حقیقت تأکید گذاشته، فرمود: ”به همین همه خواهند فهمید که شاگرد من هستید، اگر محبت یکدیگر را داشته باشید“ (یوحنا ۱۳: ۳۵). پولس رسول نیز عمیقاً به این حقیقت اعتقاد داشت و فرمود: ”او منشأ رشد تمامی بدن است، بدنی که به وسیله همه مفاصل نگاهدارنده خود، به هم پیوند و اتصال می‌یابد و در اثر عمل متناسب هر عضو رشد می‌کند و خود را

در محبت بنا می‌نماید“ (افسیان ۴: ۱۶؛ هزاره نو). بنابراین، بدن مسیح برنامه‌ای نیست که به‌دست عده‌ای از رهبران نخبه اداره شود؛ نمایی نیز نیست که رهبران بااستعداد اجرا کنند و دیگران به تماشای آن بنشینند. بدن مسیح اتحادی است زنده که افراد صاحب تولد تازه را در یک خانواده واحد به یکدیگر پیوند می‌دهند. آن از کسانی تشکیل یافته که می‌آموزند چگونه زندگی خود را به حاکمیت و سر بودن مسیح بسپارند. یکی از علائم مهم حیات نوین ایشان، رهایی از اسارت گناه و نفس است، و نیز اشتیاق ایشان به این امر که بیاموزند چگونه در خانواده خود و در خانواده ایمانی خود، روابطی فدی‌یافته داشته باشند.

بزرگترین مشکل!

در کلیسای خانگی شاید مشکلی بزرگتر از برقراری روابط و همزیستی محبت‌آمیز با یکدیگر نباشد. پولس رسول در افسسیان ۴: ۱۴ علت این امر را چنین بیان می‌دارد: ”آنگاه دیگر همچون کودکان نخواهیم بود تا در اثر امواج به هر سو پرتاب شویم و باد تعالیم گوناگون و مکر و حيله آدمیان در نقشه‌هایی که برای گمراهی می‌کشند، ما را به این سو و آن سو براند“ (هزاره نو). در اینجا پولس رسول خلاصه‌ای از مشکلاتی را ارائه می‌دهد که در کلیساهای خانگی با آنها روبرو هستیم.

ایماندارانی نابالغ

نخست، ایمانداران نابالغی را داریم که برایشان دشوار است با صبر و شکیبایی یکدیگر را دوست بدارند. او چنین ایماندارانی را ”کودکانی“ می‌نامد که نیاز به رشد دارند.

بی‌ثباتی ایمانداران

دوم، با بی‌ثباتی مواجه هستیم، زیرا ایماندارانی هستند که در حقایق کلام خدا ریشه ندوانده‌اند و به همین سبب، با هر موجی که از سوی تعلیمی جدید یا رهبری جدید پدید می‌آید، به این سو و آن سو پرتاب می‌شوند.

نفس فریبکار

سوم، با یکدیگر درگیر می‌شویم زیرا دل گناهکار ما می‌تواند فریبکار و مکار باشد، طوری که سبب می‌شود کلیسای خانگی را در جهت اهداف شخصی خود به‌کار ببریم.

روابط در کلیسای اولیه

پولس رسول پس از آنکه به تشخیص علائم بیماری پرداخت، روش درمان را ارائه می‌دهد: کلیسای خانگی باید مکانی باشد که در آن افراد بتوانند بدون واهمه حقیقت را به‌شکلی محبت‌آمیز به یکدیگر بیان کنند، و در ضمن، در جهت رشد متقابل قدم بر دارند (آیه ۱۵). او در آیه ۱۶، بار دیگر یادآوری می‌کند که رشد در مسیح بدون کمک متقابل میسر نیست. به‌طور خلاصه، بلوغ روحانی یعنی برخورداری از تعالیم درست کتاب مقدس و شخصیتی مسیح‌گونه که در بطن مشارکت و رفاقتی محبت‌آمیز و مسیحایی، در طول زمان شکل می‌گیرد.

وقتی به نحوه عملکرد کلیسای اولیه توجه می‌کنیم، از حیات جامعه‌گونه‌ای که میان ایشان وجود داشت به حیرت می‌آییم. در فصل دوم کتاب اعمال رسولان، می‌بینیم که ایشان در بسیاری از چیزها با هم شریک بودند. ایشان نزد پایهای رسول می‌نشستند و با هم در عبادت شریک می‌شدند. با یکدیگر دعا می‌کردند و سرود می‌خواندند و اغلب خوراک را با هم می‌خوردند. ایشان وقت خود را طوری صرف می‌کردند تا باعث رشد روحانی یکدیگر گردند؛ حتی اموال خود را نیز با هم تقسیم می‌کردند، آن سان که کسی در میان ایشان نیازمند نبود. ایشان با ایمان با یکدیگر زندگی می‌کردند، و بی‌ایمانان با دیدن چنین رفاقتی، از حضور الهی در میان ایشان آگاه می‌شدند، طوری که بسیاری دائماً به ایشان می‌پیوستند. در کتاب عهدجدید شاهد ”الهیات روابط“ هستیم که در جملاتی حاوی عبارت ”با یکدیگر“ تجلی می‌یابد. ما اعضای یکدیگریم و فرا خوانده شده‌ایم تا خود را وقف یکدیگر سازیم و همدیگر را با محبت پذیرا باشیم. ما موظفیم که یکدیگر را از طریق تحمل بارهای هم با بردباری، احترام و خدمت کنیم و به این شکل، یکدیگر را به رشد در مسیح ترغیب کنیم.

خصوصیات الهی جلسات خانگی

به‌هنگام طرح برنامه برای جلسات کلیسای خانگی، مهم است تا اوقاتی را برای بنای جامعه مسیحی تعیین کنیم. یوحنا رسول در رساله اول خود نکات جالبی در خصوص ماهیت راستین مشارکت ارائه می‌دهد.

● نخست، مشارکت مسیحی ماحصل پرستش مسیح به‌صورت گروهی است. یوحنا می‌فرماید: ”اگر در نور سلوک می‌نماییم، چنانکه او در نور است، با یکدیگر شراکت داریم و خون پسر او عیسی مسیح ما را از هر گناه پاک می‌سازد“ (اول یوحنا ۱: ۷).

● دوم، کلیسای خانگی باید جایی باشد که در آن شاهد بخشیدن عملی یکدیگر باشیم، چرا که باید روابط خود را زیر خون پاک‌کننده مسیح بیاوریم. این دقیقاً کاری است که به‌هنگام برگزاری آیین عشاء ربانی در کنار یکدیگر، انجام می‌دهیم.

● سوم، مشارکت مسیحی به این معنا است که مشکلات مشترک خود را با یکدیگر در میان بگذاریم. به این منظور لازم است که در حضور یکدیگر شفاف و گشوده باشیم. وقتی نقاب‌ها را بر می‌داریم و یکدیگر را طوری می‌بینیم که گویی در مشکلاتی واحد شریک هستیم، آنگاه احساس آزادی خواهیم کرد تا خودمان باشیم و خود را همسفر یکدیگر تلقی کنیم. رهبر دانای کلیسای خانگی راهمایی را خواهد یافت تا اعضای خود ترغیب به شفافیت کند و ایشان را تشویق نماید تا نیاز خود را به دعا و حمایت با یکدیگر در میان بگذارند.

● چهارم، در کلیسای خانگی است که می‌توانیم تعالیمی را دریافت کنیم که مناسب نیاز واقعی‌مان باشد، زیرا وقتی در حضور یکدیگر شفاف و بی‌نقاب می‌شویم، این فرصت را می‌یابیم که از راحل‌های الهی برای مشکلاتمان آگاه شویم و بدانیم او چگونه می‌تواند ما را رشد دهد.

محک و معیار واقعی برای اطمینان از رشد کلیسای خانگی‌تان در فیض خداوند، در محبت شما به خدا و به قوم او نهفته است.

رهبر کلیسای خانگی

کلیسایی که فاقد رهبری شایسته باشد، محکوم به انحراف به سمت برهوت یأس و سرخوردگی است؛ و عاقبت در چنین جایی، قلب‌های مردم می‌شکند و مقدسین از کلیسا جدا می‌شوند. تا به حال چند گروه با امید بسیار کار خود را شروع کرده‌اند و برای مدتی کوتاه به شکوفایی رسیده‌اند، اما در آخر با خشم و رنجش از هم پاشیده‌اند؟ جای شادی بسیار است که افراد به سمت ایمان به مسیح گرویده شوند، اما این باید هشدار باشد در این خصوص که کلیسای خانگی ما گاه بیشتر از اینکه افراد را به شاگردانی بالغ مبدل کند، آنها را از مسیح دور ساخته است.

مشخصات رهبری خوب

الگوی زندگی مسیحی

ما به رهبران خداشناسی نیاز داریم که بتوانند با فروتنی و قلب خدمتگزار خود، نمونه‌ای از زندگی مسیحی را ارائه دهند. رهبران خوب نه تنها مردم را در فراگیری حقایق ارزشمند کلام خدا یاری می‌دهند، بلکه به ایشان کمک می‌کنند تا محبت خدا را تجربه کرده، آن را به دیگران نیز عرضه کنند.

تمرکز بر کتاب مقدس

رهبران خوب، جلسات را طوری اداره می‌کنند که تمرکز گروه بر عملکردهایی مبتنی بر کتاب مقدس باشد؛ در این صورت، ایشان قادر خواهند بود مشارکت را طوری حفظ کنند که افرادی که شخصیتی سلطه‌جو یا روحیه‌ای بی‌ثبات دارند، نتوانند از جلسات سوء استفاده کنند. ما به رهبرانی نیاز داریم که از سوی خدا برای این کار دعوت شده باشند، و بخواهند مانند عیسی وظیفه رهبری را انجام دهند.

برخورداری از صلاحیت لازم

در تمام مشارکت‌ها افرادی هستند که احساس می‌کنند از سوی خدا برای رهبری فرا خوانده شده‌اند. برخی از ایشان بسیار مشتاق رهبری‌اند، اما در واقعیت صلاحیت انجام آن را ندارند و نمی‌توانند از پس این خدمت بر آیند. گاهی اشتیاق برای رهبری آنان را اسیر خود می‌سازد، اما از آنجا که عطایا و بلوغ کافی برای این کار را ندارند، شاید باعث شود از جایگاه رهبری برای برافراشتن خود استفاده کنند. عده دیگری نیز هستند که توانایی این کار را دارند، اما اشتیاقی ندارند؛ این نشان‌دهنده وجود روحیه ناطاعتی است که خداوند قادر است آن را از میان بر دارد. عده دیگری، هم از سوی خدا برای رهبری فرا خوانده شده‌اند و هم مشتاق انجام این خدمتند، اما مطمئن نیستند که آیا توانایی آن را نیز دارند یا خیر. ایشان نیاز دارند تا شخصی به آنان را با نحوه رهبری آشنا سازد و ایشان نیز با روحیه‌ای تعلیم‌پذیر و مقداری تمرین، می‌توانند تبدیل به رهبران سودمندی برای جلال نام خداوند شوند.

خدمت‌گزاری

بسیار مهم است که بدانیم شیوه رهبری که دنیا قبول دارد، با شیوه رهبری مبتنی بر کتاب مقدس در تضاد کامل است. رهبرانی که دنیا تربیت می‌کند، باید بر اساس میزان اثرگذاری، توانایی، ایجاد بیم و هراس، و جاذبه‌های فردی رهبری کنند. ایشان در پی کسب مقام، قدرت، و امنیت هستند و این در تضاد کامل با رهبران مسیحی است که ردای خادم را بر تن خود می‌کنند و مایلند مانند عیسی رهبری کنند. ”زیرا که پسر انسان نیز نیامده تا مخدوم شود، بلکه تا خدمت کند و تا جان خود را فدای بسیاری کند“ (مرقس ۱۰: ۴۵). برداشت رهبران مسیحی از مفهوم بزرگی، به طرز وسیعی با برداشت دنیا متفاوت است. ”هر که خواهد در میان شما بزرگ شود، خادم شما باشد“ (مرقس ۱۰: ۴۳). پس می‌بینیم که رهبر، خادمی است که با رهبری خدمت می‌کند، و با خدمت رهبری می‌کند. عملکردهای چنین رهبری چیست؟

عملکردهای رهبر

● تمرکز رهبر باید بر روی هدف اصلی کلیسای خانگی باشد. او باید اینگونه به گروه تعلیم دهد که به منظور حفظ جایگاه مسیح به عنوان مرکزیت جلسه، می‌بایستی زمان‌های مشخصی برای پرسش، دعا، بررسی کتاب مقدس، و مشارکت وجود داشته باشد. رهبر باید اطمینان حاصل کند که نیاز افراد در زمان دعا‌های شفاعتی مورد توجه قرار گرفته، ایمان ایشان در حال رشد است. همچنین توجه به شروع و پایان دقیق زمان برگزاری جلسات جزو مسؤلیت‌های رهبر است.

● رهبر خوانده شده است تا با پذیرش گرم میهمانان و حصول اطمینان از اینکه نیازهای شخصی ایشان نادیده انگاشته نشده است، گله را شبانی نماید. او موظف خواهد بود به سؤالات افراد در مورد ایمان پاسخ دهد، کشمکش‌ها را برطرف سازد، و دعا را در راستای نیاز افراد هدایت کند.

● رهبر باید مطمئن شود که کارهای مربوط به سازماندهی و برنامه‌ریزی جلسات به خوبی صورت گرفته است. مثلاً اینکه همه مطلع شوند جلسه کجا برگزار خواهد شد، چه کسی مسئول تهیه خوردنی‌هاست، چه کسی تعلیم می‌دهد، چه کسی سرودها را ترتیب می‌دهد، و چه کسی مسئول رساندن افراد پس از پایان جلسه است.

● رهبری که عیسی را الگو و نمونه خود قرار دهد، متوجه وجود توازن‌هایی خواهد شد که باید همواره برقرار باشد. عیسی از پدر اطاعت می‌کرد و هم‌زمان افرادی را محبت و خدمت می‌نمود. البته آسان نیست که این توازن را همیشه حفظ کنیم. عیسی همان‌طور که مردم را محبت و خدمت می‌کرد، نسبت به هدف خود استوار باقی می‌ماند. شما در مقام رهبر، ممکن است وسوسه شوید تا ایمان و هدف خود را به منظور راضی کردن مردم مورد سازشکاری قرار دهید، اما در اینجا باید از خداوند حکمت بطلبید تا بدانید چگونه ممکن است بدون ناطاعتی از او، دیگران را نیز محبت و خدمت کنید.

خصوصیات رهبر

بررسی کلیه خصوصیت‌های یک رهبر مسیحی از دیدگاه کتاب مقدس، از حوصله این مقاله خارج است. (اول تیموتائوس ۳: ۱-۱۳ را بخوانید.) اما به هر حال، لازم می‌دانیم تا برخی از خصوصیت‌های حیاتی یک رهبر کلیسای خانگی را جهت خدمت موفقیت‌آمیز، مورد بررسی قرار دهیم.

تشنگی برای خدا

مهم‌ترین خصوصیت یک رهبر گرسنگی و تشنگی فراوان برای خدا است. داوود در مزمور ۱۱۹: ۱۰ این‌گونه می‌نویسد: ”به تمامی دل تو را طلبیدم. مگذار که از اوامر تو گمراه شوم.“ در واقع خدمت رهبری، نوعی تأثیرگذاری الهام‌بخش بر مردم است. آنانی که به‌خاطر مسیح بر دیگران تأثیر می‌گذارند، بیشتر افرادی هستند که برای خود خدا و حقیقت وجود او اشتیاق شدید دارند. عمیق‌ترین اثرگذاری‌ها، از شدیدترین اشتیاق‌ها ناشی می‌شود. هرچقدر که قلبمان بیشتر در مسیح از رضایت و خرسندی پر باشد، بیشتر نام او را به‌وسیله زندگی خود جلال خواهیم داد.

فروتنی و تعلیم‌پذیری

برای رهبر کلیسای خانگی، برخورداری از روحیه‌ای فروتن و تعلیم‌پذیر بسیار لازم است. پطرس رسول در رساله اول خود، فصل ۵ آیه ۶، پیرامون فروتنی در برابر خدا این‌گونه می‌فرماید: ”پس زیر دست زورآور خدا فروتنی نمایید.“ به همان ترتیب، باید در برابر دیگران نیز باید فروتن باشیم: ”همه با یکدیگر فروتنی را بر خود ببندید.“ (اول پطرس ۵: ۵). عملاً یعنی این که حین تعلیم کلام خدا، شاید نیاز باشد حتی خود ما نیز در برابر دیگران اعتراف کنیم که معنای درست این آیه را در ابتدا درک نکرده بودیم، یا اینکه شخصاً از اطاعت آن کوتاهی ورزیده‌ایم. این یعنی تذکرات و تأدیب‌های دیگران را در جمع با روحیه‌ای نرم بپذیریم یا در برابر جفایی که به‌خاطر مسیح به ما می‌رسد، ثابت بایستیم.

شکيبايي و ميل به مراقبت

برای شبانی کردن نوایمانان در جلسه خانگی، برخورداری از قلبی شکيبا و مملو از توجه و مراقبت، بسیار حیاتی است. ”ای حبيببان، اگر خدا با ما چنین محبت نمود، ما نیز می‌باید یکدیگر را محبت نماییم“ (اول یوحنا ۴: ۱۱). یوحنا درک کرد که محبت خدا که در ابتدا در جسم، توسط عیسی ظاهر شد، اینک باید در زندگی جسمانی ما آشکار شود و در بدن او (یعنی کلیسا) تجربه گردد. شبان یک گروه کوچک باید هر هفته از افراد سؤالاتی بپرسد تا در یابد زندگی ایشان با خداوند عیسی چگونه پیش می‌رود و می‌بایست در حین هدایت و تربیت ایشان، توجه محبت‌آمیزی از خود نشان دهد. او باید به سؤالات ایشان پاسخگو باشد. همه این اطلاعات که او در هفته به دست می‌آورد، باید زیربنای اصلی دعا‌های روزانه او برای گله خود گردد. پیام‌های او زمانی واقعی به نظر خواهد رسید که او به گله اجازه دهد تا بتوانند به درون قلب شبان خود نگاه کرده، ببینند که خداوند در آن چگونه کار می‌کند.

مهارت‌های رهبر کلیسای خانگی

اهمیت رهبری درست جلسات

گزارش‌های کتاب مقدس از اولین کلیسای خانگی که آن را در کتاب اعمال رسولان می‌بینیم، نشان می‌دهد که آیینهای مشخصی وجود دارد که باید الزاماً در هر جلسه کلیسایی صورت پذیرد. در کتاب اعمال ۲: ۴۲-۴۷ شاهد یک کلیسای در حال فعالیت می‌باشیم. به وضوح پرستش را می‌بینیم: "... و در خانه‌ها نان را پاره می‌کردند و خوراک را به خوشی و ساده‌دلی می‌خوردند" (آیه ۴۶)؛ مطالعه کلام خدا: "و در تعلیم رسولان ... مواظبت می‌نمودند" (آیه ۴۲)؛ مشارکت: "... و مشارکت ایشان" (آیه ۴۲ و ۴۴)؛ دعا (آیه ۴۲)، و خدمت: "و املاک و اموال خود را فروخته، آنها را به هرکس به قدر احتیاجش تقسیم می‌کردند" (آیه ۴۵).

کلیسای خانگی فقط در یک محیط سالم و به شرطی درست عمل می‌کند که رهبر بدانند چطور باید جلسه را رهبری کند که این فعالیت‌های اساسی در آن صورت گیرد. من از کلمه فعالیت استفاده می‌کنم تا تأکید کنم که تجربیات مبتنی بر کتاب مقدس می‌تواند به شکلهای مختلف صورت گیرد، همانطور که آب می‌تواند در ظرفهای مختلفی جاری شده و شکل آنها را به خود بگیرد. آنچه حائز اهمیت بسیار است، این است که بفهمیم روح القدس خود چطور هر جمع خانگی را رهبری می‌کند تا این اصول حیاتی را تجربه کنند.

هشدار دیگری که لازم می‌دانم بدهم، این است که گاهی کلیساهایی را می‌بینیم که غیرمتعادل پیش می‌روند. بدین ترتیب که روی یک یا دو مورد از فعالیت‌ها بیش از حد تأکید می‌ورزند و مابقی را کنار می‌گذارند. از این دسته، کلیساهایی هستند که تمام وقت خود را به پرستش و دعا می‌گذرانند و هیچوقت فرصتی جدی به بررسی کلام اختصاص نمی‌دهند. یا کلیسایی که افراد در آن تمام وقت به معلمی که در حال تفسیر کلام است، گوش

فرا می‌دهند و زمانی بسیار اندک برای دعا‌های شفاعتی دارند. اینجا است که ضرورت دارد رهبر کلیسای خانگی دارای مهارت‌های کافی برای ایجاد تعادل در فعالیت‌ها باشد. چون وقتی تعادل وجود داشته باشد، اعضای کلیسا به عنوان شاگردان مسیح، در او رشد می‌کنند.

مهارت‌های لازم

حال به مهارت‌های لازم در یک رهبر که می‌تواند باعث رشد کلیسای مبتنی بر کتاب مقدس شود، خواهیم پرداخت.

● رهبر کلیسای خانگی بایستی بدانند چگونه قسمت پرستش را رهبری کند. به عنوان مثال، مزمور ۱۰۰ می‌تواند نمونه‌ای برای پرستش ما باشد.

اول می‌بینیم که مزمورنگار مردم را به پرستش فرامی‌خواند: ”ای تمامی روی زمین خداوند را آواز شادمانی دهید“ (آیه ۱). رهبر باید ذهن و قلب افراد را با استفاده از کلام، به سوی خدا بکشانند تا زمانی برای پرستش خدا با سرودها پدید آید.

دوم اینکه، باید توجه داشت پرستش ما منوط بر شناخت ما از خدا و رابطه ما با او است: ”بدانید که یهوه خدا است؛ او ما را آفرید“ (آیه ۳). پرستش مبتنی بر کتاب مقدس بر روی شخصیت خداوند تمرکز دارد. پس چقدر خوب است که یکی از صفات خدا را بر گزینیم و با استفاده از آیات مختلف کتاب مقدس که بدان صفت خاص اشاره دارد، پرستشی در راستای شناخت خدا تنظیم کنیم.

سوم اینکه پرستش باید بر وارد شدن به حضور خدا تأکید بورزد: ”به دروازه‌های او با حمد بیایید و به صحن‌های او با تسبیح“ (آیه ۴). در تجربه پرستش، وقتی خدا را حمد و تسبیح می‌خوانیم، حضور او را حس می‌کنیم اما گاهی فراموش می‌کنیم که اگر خواهیم بالواقع وارد حضور خدا شویم، می‌بایستی با توبه و اعتراف پیش رویم که به طلب مغفرت خواهد انجامید. در آخر هم می‌توانیم به‌خاطر وعده‌های خدا شادمانی کنیم: ”زیرا که خداوند نیکو است و رحمت او ابدی و امانت وی تا ابدالآباد“ (آیه ۵). پرستش باید ما را به امید و

اعتماد در خداوند برساند و وعده‌های او می‌بایست ما را تقویت بخشد. داوود مزمور ۲۳ را اینگونه تمام می‌کند: ”هر آینه نیکوی و رحمت تمام ایام عمرم در پی من خواهد بود.“

● رهبر کلیسای خانگی بایستی بداند چگونه بخش مطالعه کتاب مقدس را رهبری کند. نمونه مبتنی بر کتاب مقدس مطالعه و بررسی، در دوم تیموتائوس ۳: ۱۶ بیان شده است. مطالعه کتاب مقدس در یک کلیسای خانگی باید متفاوت از کلیساهای ساختمانی باشد. در کلیسای ساختمانی ما در غالب گروه‌های بزرگ می‌نشینیم و به واعظ که در حال تفسیر کتاب مقدس است، گوش می‌دهیم. اما در جمع‌های خانگی ما از تک تک افراد می‌خواهیم که خود مستقیماً با متن کلام روبه‌رو شوند.

پولس به تیموتائوس تعلیم می‌دهد که چگونه کلام خدا باید در زندگی ما ثمر دهد: الف) به جهت تعلیم دادن مفید است؛ ب) ما را تنبیه کرده، متوجه می‌سازد که چه هنگام از عمل به آن تعلیم قاصر آمده‌ایم؛ ج) اصلاحمان کرده، به ما می‌گوید چطور از گناه دوری کنیم و عادلانه زیست کنیم؛ و در آخر، د) تربیتمان می‌کند که چگونه مقدس زندگی کنیم و خداوند را خشنود سازیم.

روشهای مناسب

اکنون وقت آن می‌رسد که یک برنامه مطالعاتی مناسب تهیه کنیم تا فرآیند گفته‌شده در کلیسای خانگی مان اعمال شود.

● یکی از بهترین روشها، DOTA می‌باشد (www.baham.tv) که افراد را فرا می‌خواند تا کلام را با یکدیگر بخوانند و مطرح کنند که کدام آیه به‌طور خاص با قلب یا ذهن آنها سخن گفته است. بعد از آن فهرستی از کاربرد آیات تهیه می‌شود؛ بدین ترتیب که هرکس بیان می‌کند آیه مورد نظرش را چگونه می‌تواند در زندگی خود به کار ببرد. سپس هر یک اعلام می‌کنند که در کدام قسمت نیاز به رشد دارند. زمان مطالعه کلام می‌تواند با دعاهای کوتاه برای اینکه خداوند تغییرات گفته‌شده را به زندگی هرکس وارد کند، به خاتمه برسد.

● روش ساده دیگری هم وجود دارد که رهبر سؤالاتی از جمع می‌پرسد: (۱) متن راجع به چه چیزی سخن می‌گوید؟ (۲) معنی این قسمت برای شخص شما چیست؟ (۳) این متن چه تغییری را باید وارد زندگی شما کند؟ هر روشی که انتخاب شود، بسیار مهم است که رهبر به حرف‌های تک تک افراد با دقت گوش دهد و جواب‌ها را به استهزاء نگیرد. همچنین می‌بایستی وقتی که اختلاف نظر در مورد مطلبی وجود دارد، اوضاع را کنترل کرده، بکوشد جواب صحیح مبتنی بر کتاب مقدس را بیاید.

● رهبر کلیسای خانگی باید بداند چگونه مشارکت را در جمع پدید آورد. یوحنا رسول تعلیم می‌دهد مشارکت زمانی اتفاق می‌افتد که مسیحیان با هم، در نور زندگی کنند و رابطه‌شان در زیر خون عیسی مسیح باشد که خورش هر گناه را پاک می‌سازد (اول یوحنا ۷:۱). مشارکت، همسفر شدن با دیگر مسیحیان در سفر زندگی است تا شاهد باشیم که زندگی با مسیح چه ویژگیها و تفاوت‌های چشمگیری دارد. پس هنگامی که شخص جدیدی به گروهتان می‌پیوندد، از او بخواهید تا شهادت خود را بازگو کند. مشارکت زمانی به اوج خود می‌رسد که در آن اتفاق‌های خاص را با هم جشن بگیریم و در خوشیهای هم شریک باشیم. وقتی اعضای کلیسا درگیر کشمکشهای فردی می‌شوند، رهبر باید در برقراری صلح و آرامش و مصالحه بین آنها بکوشد و مطمئن شود که ایشان به خوبی می‌دانند چگونه متی ۱۸:۱۵-۱۷ را در زندگی خود به عمل برسانند. هیچگونه دعوای شخصی و بدگویی نباید در محیط کلیسا تحمل شود؛ بلکه هر شخص باید تشویق شود تا به افراد دیگر کلمات تهذیب‌کننده و کمال‌آور بگوید.

● رهبر کلیسای خانگی باید بداند چطور خدمت کردن را به افراد بیاموزد. در این زمینه مثال بهتری از خود خداوندمان وجود ندارد. او بعد از شستن پایهای شاگردانش گفت: "پس اگر من که آقا و معلم هستم، پایهای شما را شستم، بر شما نیز واجب است که پایهای یکدیگر را بشویید" (یوحنا ۱۳:۱۴). خداوند ما بهترین راه را برای آموختن خدمت کردن به دیگران بیاموزیم، به ما نشان داد: اینکه خود خادم دیگران شویم. هرگز فراموش نکنید که هرچه بیشتر برای خدمت از خودتان مایه بگذارید، بیشتر به مخدومیتان ارزش داده‌اید؛ به شرطی که انگیزه‌تان، جلال نام خودتان نباشد. دیگران را وارد خدمت کنید و به‌خاطر این کار بدیشان احترام بگذارید. سؤالی که در قلب بسیاری وجود دارد این است: "آیا این

رهبر به من هم کار مهمی برای انجام دادن می‌سپارد؟ آیا به من اعتماد می‌کند که این کار را به تنهایی عهده‌دار شده، انجام دهم؟ آیا اگر برای انجام آن به مشکل برخوردم، او در کنارم خواهد بود؟“

چرخه حیات در کلیسای خانگی

دیدگاه‌های مختلف

روح القدس کلیساهای خانگی را در هر جا بر می‌افرازد. برای این منظور خدا را ستایش می‌کنیم چرا که نقشه الهی او این است که کلیسایش را در میان تمامی اقوام روی زمین برقرار سازد. کلیسای خانگی طی زمان‌های مختلف مورد آزمایش قرار گرفته و ثابت نموده که ابزار مفیدی است که به واسطه آن ایمانداران می‌توانند در امنیت تجمع یافته، در فیض رشد کنند. اما باید آگاه باشیم زیرا گروه‌های مختلف مردم، کلیسای خانگی را با دیدگاه‌های متفاوتی که در خصوص عملکرد آن دارند تأسیس می‌نمایند. برای مثال برادری معتقد بود برای تشکیل یک کلیسای خانگی فقط تعدادی نیمکت و یک منبر مورد نیاز است. با توجه به عقاید انحرافی زیاد در ارتباط با کلیسای خانگی، تصمیم گرفتیم مجموعه‌ای از مقالات بر اساس الگوی کتاب مقدس جهت جلسات ایمانداران در خانه‌ها بنویسیم. همچنین بر آن شدم تا به جای "اشکال" مختلف کلیسای خانگی به طور خاص راجع به "عملکرد" آن بنویسم. در این مقاله قصد دارم خوانندگان را با این مفهوم که کلیسای خانگی "چرخه های حیات" دارند آشنا سازم. اگر شخصی می‌خواهد رهبر کارآمدی باشد، باید این چرخه ها را شناخته، نحوه واکنش نسبت به هر یک را بداند.

مراحل سرخوشی و سرخوردگی

تمام کسانی که با خدمت کلیسای خانگی ارتباط داشته‌اند، خیلی زود دریافته‌اند که آنها تقریباً به همان سرعتی که ظاهر می‌شوند، منحل نیز می‌گردند. لازم است دلایل این روند را بدانیم. درک این امر همواره برای من مفید بوده که هر گاه تشکیلات جدیدی شکل می‌گیرد، ابتدا دوره "سرخوشی" آغاز می‌گردد که طی آن همه با این وعده و امید که

خدمت به‌طور فزاینده‌ای رشد خواهد کرد، به هیجان می‌آیند. آنچه اغلب انتظار نمی‌رود، این است که دوره سرخوشی به‌سرعت به مرحله‌ای تنزل می‌کند که می‌توان آن را ”سرخوردگی“ نامید. میان اعضای گروه تنش‌هایی به وجود می‌آید و باعث می‌شود ایشان از مشارکت با یکدیگر لذت نبرند. سپس فقدان تعهد در بعضی، سبب دلسردی می‌گردد و برخی از اعضا، گروه را ترک می‌کنند. در سایر موارد اختلاف بر سر عقاید الهیاتی مختلف یا شیوه خدمتی که باید توسط گروه به کار رود، گسترش می‌یابد. در نتیجه سرخوردگی بسیاری اوقات منجر به انحلال یا حتی بدتر از آن، دلسردی نسبت به مسیحیت می‌گردد.

مرحله رشد

واقعیت اسفبار این است که اغلب رهبران کلیساهای خانگی درک نمی‌کنند که باید قسمت سومی تحت عنوان ”مرحله رشد“ وجود داشته باشد. در این موقعیت رهبران پی می‌برند بحرانی که گروه تجربه می‌کند در صورت کنترل مناسب، خود یک تعلیم و فرصتی جهت رشد خواهد بود. در این لحظه نباید مشارکت را با عواطف آسیب‌دیده ترک کرد و آن را از هم پاشید چرا که می‌تواند منجر به سخت شدن دلها گردد. متأسفانه در بسیاری موارد ما هرگز فرصت خدمت در موقعیت‌های دشوار را به‌خاطر عواطف آسیب‌دیده نداریم، چون از شرایط سخت می‌گریزیم و بدین ترتیب فرصت مواجهه با قصورات و عدم بلوغ خود را از دست می‌دهیم. کلیسای خانگی می‌تواند مکان شگفت‌انگیزی برای رشد در مسیح باشد، به شرط آنکه رهبران اصول کتاب‌مقدسی را در زمینه شفا و مصالحه بیاموزند.

ضرورت روابط صمیمی و غیر تصنعی

من معتقدم که دلیل آسیب‌پذیر بودن اکثر کلیساهای خانگی این است که به ندرت از روابط سطحی‌پا فراتر می‌گذارند. آنها جمع می‌شوند تا اعمال خاصی نظیر دعا، سرود و مطالعه کتاب‌مقدس را به جا آورند، در حالیکه تجربه مشارکت عمیق کتاب‌مقدسی را از

دست می‌دهند، چون مطالعه آنها از کتاب مقدس در زندگی واقعی کاربرد ندارد. خیلی اوقات نوعی دیدگاه غیر واقعی در مسیحیت مطرح می‌شود که می‌گوید زندگی پیروزمند مداوم یک اصل است، و به این ترتیب، در اشخاصی که از چنین زندگی برخوردار نیستند، این نظر القا می‌گردد که یا کم‌ارزشند یا حتی اینکه زندگی‌شان مطابق قاعده پیروزی نیست.

لحظه‌ای دقیق فکر کنید: آخرین باری را به خاطر آورید که در یک جلسه مسیحی حضور داشتید و کسی مطرح کرده که پیروی عیسی برایش دشوار بوده است. من این تجربه شخصی را به یاد می‌آورم که یک بار در جلسه‌ای مطرح کردم که در زندگی روحانی خود، دچار کشمکش هستم. همه از حیرت سکوت اختیار کرده بودند، چون نمی‌دانستند نسبت به کشیشی که اعتراف به کشمکش روحانی می‌کند، چگونه واکنش نشان دهند. به بیانی ساده‌تر، تصویر ذهنی آنها از یک کشیش این نیست، بلکه کسی است که قادر به غلبه بر تمامی موانع روحانی است. این همان تعبیر روحانی سطحی از ایمان است که باعث می‌شود بسیاری از مردم احساس کنند هیچ کس اندوه شخصی آنها را نمی‌فهمد. در نتیجه، مشارکتی تصنعی به وجود می‌آید که مانع از شناخت حقیقی ما نسبت به یکدیگر می‌گردد.

پولس در اول قرن نهم ۱۰:۱۳ می‌نویسد که وسوسه و فشارها شامل حال همگی ما می‌گردد. رهبر کلیسای خانگی که در می‌یابد چگونه مشارکت خالص و خدمت الهی را در میان اعضا گسترش دهد، شاهد مشارکت سالم‌تر و پایدارتری خواهد بود.

نحوه عمل در مرحله سرخوردگی

با توجه به این اصل که تمامی کلیساهای خانگی دوره سرخوردگی را طی می‌کنند، رهبر باید قادر به تشخیص خدمت لازم در این زمان باشد. هر گروه باید پیامورد که چگونه در این شرایط غم‌انگیز و اجتناب‌ناپذیر عمل کند. در فصل اول از رساله دوم قرن نهم، پولس دیدگاه خدمتی خود را در دوره‌های پرچالش مطرح می‌کند. ما ابتدا باید آرامش را از خدا بیابیم، سپس آن را با یکدیگر تقسیم کنیم. ”که ما را در هر تنگی ما تسلی می‌دهد تا ما بتوانیم دیگران را در هر مصیبتی که باشد تسلی نماییم، به آن تسلی که خود

از خدا یافته ایم“ (آیه ۴). او نتیجه‌گیری می‌کند که ما امید را از این فرایند حساس بودن نسبت به یکدیگر به دست می‌آوریم. ”و امید ما برای شما استوار می‌شود زیرا می‌دانیم که چنانکه شما شریک دردها هستید، همچنین شریک تسلی نیز خواهید بود“ (آیه ۷). در واقع وقتی می‌آموزیم که در طول تألمات در روابط، از مسیح الهام بگیریم، و حتی نسبت به کسانی که به ما لطمه وارد آورده‌اند محبت نشان دهیم، در آن حالت، قدرت انجیل را نمایان ساخته، به حیات کلیسای خانگی خود عمق می‌بخشیم.

هدف از این فرایند، آشکار شدن نیروی دگرگون‌کننده قدرت محبت مسیح است. عیسی فرمود: ”به شما حکمی تازه می‌دهم که یکدیگر را محبت نمایید، چنانکه من شما را محبت نمودم تا شما نیز یکدیگر را محبت نمایید. به همین همه خواهند فهمید که شاگرد من هستید اگر محبت یکدیگر را داشته باشید“ (یوحنا ۱۳: ۳۴-۳۵). مسیح در حالی ما را محبت کرد که ما دشمنان او بودیم، و این محبت سبب شد دوستان او گردیم. زمانی که محبت مسیح در کلیسای خانگی شما وارد عمل می‌شود، هر یک از اعضا را بر می‌انگیزد تا در امر تحقق شفا و احیا اصرار ورزند. چنین محبتی به مشارکت در طول دوره سرخوردگی تداوم بخشیده، گروه را وارد بُعد تازه‌ای می‌سازد تا اعماق بیکران محبت خدا را کشف نمایند.

حفظ اتحاد در کلیسای خانگی

”ای برادران، به نام خداوند ما عیسی مسیح از شما تمنا دارم که با هم توافق داشته باشید تا در میان شما تفرقه نباشد و همگی در اندیشه و رأی با هم متحد باشید.“ (اول قرن‌تیاں ۱: ۱۰؛ هزاره نو).

در اینجا پولس رسول کلیسایی را مخاطب قرار می‌دهد که پر است از تنش و تفرقه؛ او با دلی دردمند، ایشان را به اتحاد و آرامش فرا می‌خواند. همه کسانی که کوشیده‌اند کلیسای خانگی را رهبری کنند، با اندوه، شاهد تنشها و تفرقه‌ها در گله خود بوده‌اند. هر جا که مقدسین گناهکار به‌منظور پرستش خدا و رشد در فیض او گرد می‌آیند، بروز تنش در روابط اجتناب‌ناپذیر است. تفاوت در این است که برخی از رهبران می‌دانند چگونه با این تنشها برخورد کنند، و بعضی دیگر نمی‌دانند. اغلب اوقات، واکنشهای گناه‌آلود حل و فصل نمی‌شوند، و این امر موجب گسسته شدن مشارکت میان برادران و خواهران می‌گردد؛ به‌جای آنکه خدا جلال یابد، نام مسیح مورد بی‌احترامی قرار می‌گیرد. در این مقاله، به برخی از مسائل رایج می‌پردازیم که در کلیسای خانگی پدید می‌آید، مسائلی که اگر با محبت حل نشوند، موجب تنش می‌گردد. من در آنچه که پطرس رسول در این خصوص نوشته است، حکمت عمیقی مشاهده می‌کنم: ”مهم‌تر از همه، یکدیگر را به‌شدت محبت کنید، زیرا محبت، انبوه گناهان را می‌پوشاند.“ (اول پطرس ۴: ۸). پطرس تعلیم می‌دهد که برتری محبت مسیح ما را قادر می‌سازد تا یکدیگر را، حتی زمانی که در حق هم گناه کرده‌ایم، دوست بداریم. این امر مسؤولیت ما را در پذیرش گناهان خود و طلبیدن قدرت مسیح برای غلبه بر آنها منتفی نمی‌سازد، اما این امید را به ما می‌دهد که بدانیم در چارچوب بدن مسیح، خانواده‌ای داریم که ما را در گناهانمان رها نمی‌سازد، بلکه ما را

محبت می‌کند تا به پیروزی نائل گردیم. امید من این است که با بذل توجه به برخی از رایج‌ترین مسائلی که در کلیساهای خانگی بروز می‌کند، و نیز با تلاش برای حل آنها بر اساس کتاب مقدس، به ابزارهایی دست یابیم که برای رویارویی با تنشها همراه با محبت و درایت، مورد نیاز می‌باشند.

افراد برونگرایی که بر گروه مسلط می‌شوند

تقریباً در هر گروهی، لااقل یک نفر هست که بحث را تحت کنترل می‌گیرد و مانع شراکت دیگران می‌گردد. برای این امر دلایل مختلفی وجود دارد. این شخص ممکن است فردی برونگرا باشد و متوجه نباشد که وقت گروه را می‌گیرد؛ یا شاید قوه درکش قوی‌تر است و می‌خواهد نظرات خود را با دیگران در میان بگذارد. شاید هم می‌خواهد بر گروه مسلط شود تا در مرکز توجه قرار گیرد و بحث را اداره کند.

راه حل: (یعقوب ۱: ۱۹-۲۰). در خلوت با او ملاقات کنید و از او بخواهید تا شما را در سوق دادن دیگران به شراکت در بحث یاری دهد. به او بگویید که گاه سکوت لازم است تا دیگران در باره آنچه خدا به ایشان تعلیم می‌دهد فکر کنند. سپس از او بخواهید که بکوشد کشف کند که دیگران در باره موضوع مورد بحث چه فکر می‌کنند.

افراد ساکتی که هیچگاه چیزی نمی‌گویند

در هر گروه قطعاً کسی هست که هیچگاه چیزی نمی‌گوید یا با صدای بلند دعا نمی‌کند؛ بنابراین، پی بردن به وضعیت روحانی او غیر ممکن می‌گردد. رهبری حساس خواهد کوشید تا علت سکوت چنین شخصی را تشخیص دهد. شخص ساکت ممکن است فکر می‌کند آنقدر معلومات ندارد که بخواهد اظهار نظر کند و نمی‌خواهد مورد تمسخر قرار گیرد. یا ممکن است احساس می‌کند که گروه پذیرای او نیست و به همین دلیل، خود را منزوی می‌سازد. شخص رهبر نیز ممکن است طوری بحث را تحت کنترل می‌گیرد که کسی احساس نمی‌کند که می‌تواند اظهار نظر کند.

راه حل: رهبر می‌تواند از افراد ساکت خواهش کند که بخشی از کلام را برای گروه بخوانند. به‌هنگام بحث نیز می‌تواند سؤالی مناسب از هر فرد بکند یا مستقیماً از فرد ساکت سؤال کند.

اشخاصی که همیشه مشکلی به‌همراه می‌آورند

گاه بعضی از افراد با مشکلات شخصی بزرگی به جلسه می‌آیند و می‌خواهند آن را در جمع مطرح سازند. در این صورت، این مشکل شخصی سریعاً تمام جلسه را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. اگر چنین موقعیتی به شکلی مناسب رفع و رجوع نشود، ممکن است توجه شرکت‌کنندگان را از جلسه منحرف سازد، زیرا افراد برای عبادت و مطالعه کتاب‌مقدس گرد هم می‌آیند، نه برای شنیدن مشکلات بزرگ یکدیگر.

راه حل: رهبر باید کنترل را به دست بگیرد و وقتی را برای دعا برای مشکل آن شخص اختصاص دهد و بعد او را مطمئن سازد که به‌طور خصوصی با او ملاقات و صحبت خواهد کرد. در طول چنین ملاقاتی، می‌تواند از امکاناتی نظیر مشاوره استفاده کند.

اشخاصی که دچار ریشه تلخی هستند

(عبرانیان ۱۲: ۱۵). اشخاصی که دچار ریشه تلخی هستند، به روابط میان افراد لطمه وارد می‌سازند. در کتاب‌مقدس به تعدادی از گناهان اشاره شده که اگر به‌درستی به آنها رسیدگی نشود، تلخی پدید می‌آورند. از میان آنها می‌توان به این موارد اشاره کرد: غیرت (امثال ۲۳: ۱۷)؛ روحیه انتقاد (اعداد ۱۱: ۱ و کولسیان ۳: ۸)؛ انتقام‌جویی (رومیان ۱۲: ۱۹)؛ کینه (اول یوحنا ۴: ۱۹-۲۱)؛ توطئه‌چینی (اعداد ۱۶: ۱-۱۱)؛ حسادت (اول قرنتیان ۱۳: ۴)؛ اهانت لفظی به دیگران (اعداد ۱۲: ۱-۱۲)؛ غیبت‌گویی (اول تیموتائوس ۵: ۱۳)؛ و روحیه طعنه و تمسخر (افسیان ۴: ۲۹).

راه حل: به هیچ کس نباید اجازه داد با رفتار گناه‌آلودش، گروه را تحت کنترل در آورد. رهبر باید کنترل را در نام عیسی به دست بگیرد و شخص خطاکار را به اتاق دیگری

هدایت کند و شخصاً به مشکل او رسیدگی کند. گناهانی که در فهرست بالا ذکر شد باید به‌هنگام مطالعه کتاب مقدس مورد بررسی قرار گیرد؛ باید به‌روشنی تعلیم داده شود که کار نجات‌بخش مسیح بر روی صلیب، پیروزی بر گناه را مهیا ساخته است.

رهبری که بر گله خود سروری می‌کند

(اول پطرس ۵: ۱-۴). روش و سبک رهبری خادم در کلیسای خانگی می‌تواند تنش‌زا باشد. وقتی رهبر فکر می‌کند که می‌تواند گروه را از طریق سلطه‌جویی و تهدید و ارباب‌هدایت کند، تنش به وجود خواهد آمد. وقتی هدف رهبر از خدمت تبدیل می‌شود به استقرار ملکوت شخصی، چنین خدمتی مورد برکت خدا قرار نخواهد گرفت و به‌زودی از هم خواهد پاشید.

راه حل: رهبر باید دعا کند تا الگویی را که عیسی ارائه فرمود درک کند، الگویی که رهبری را خدمتگزاری معرفی می‌کند. چنین رهبری باید از این روحیه توبه کند که افراد را به‌جای خدمت کردن، مورد استفاده قرار دهد.

سایر نشریات مؤسسه "تعلیم"

- خلاصه اصول اعتقادات مسیحیت (نوشته لوئیس برکهوف)

نوشته‌های کشیش تَت استیوآرت

- تشخیص اراده خدا
- در جستجوی اهمیت و بزرگی
- موعظه کتاب مقدسی
- ازدواج مسیحی
- کتاب مقدس و تربیت فرزند
- قدرت بخشش کتاب مقدسی
- آیین تعمید از چشم‌انداز کلیسای پرزبیتری
- پرستش خدا
- تشخیص دعوت الهی برای خدمت
- تجهیز مقدسان (بررسی عطا‌های انگیزش‌دهنده روح القدس)
- مسیح، مشاور نیک
- کلیسای خانگی

ॐ

Tat Stewart

House Churches

TALIM Ministries